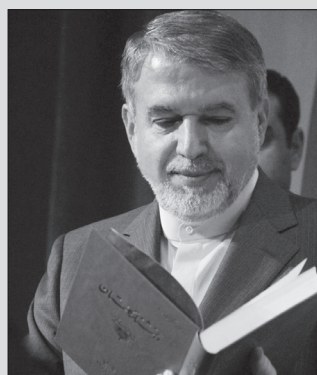


دکتر صالحی امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی،
در آیین رونمایی از دانش نامه گلستان
دانش نامه گلستان بیانگر تبار
تاریخی و فرهنگی این جغرافیاست



رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي

خداوند را شاکرم که امروز توفیق حاصل شد که به دیدار شما نایل بشوم. این حرکت بسیار ارزشمند فرهنگی که در این دیار، در این جغرافیا، با محوریت حضرت آیت الله نورمفیدی که فخر روحانیت و فخر این سرزمین هستند، انجام شده، باعث خرسندی ماست و صمیمانه تقدیر می‌کنم از زحمات همه‌ی دست‌اندرکاران. بنا داشتم درباره‌ی چرایی دانش‌نامه سخن بگویم، ولی فرصت

نیست، اما به لحاظ این که جمع بسیار فاضل و فرهیخته‌ای حضور دارد، چند نکته‌ای راجع به ضرورت دانش‌نامه نویسی در فضای فعلی، عرض می‌کنم و بسیار به آن تأکید خواهم کرد. ما انبوهی از دانش را در گستره‌ی پهناور گیتی داریم که متعلق به ایران و اسلام است. ارزیابی کارشناسان ما در حوزه‌ی مطالعات مخطوطات این است که ما در دنیا، حدود ۲ میلیون اثر خطی متعلق به ایران و اسلام داریم که از این ۲ میلیون، حدود ۱ میلیون در شبه قاره، و حدود نیم میلیون در آسیای میانه و قفقاز، حدود نیم میلیون هم در داخل ایران است. این کشور، کشور عجیبی است، این سرزمین مثل درخت تنومندی است که شما در حیاط خانه دارید، ولی ریشه‌هایش به منازل همسایه‌های همجوار رسوخ کرده، ایران فرهنگی نیز مانند این درخت تنومند، در اقصی نقاط دنیا ریشه دوانیده، چنان که امروز در هر کتابخانه‌ای، از هر نقطه‌ی دنیا بروید، آثاری از ایران خواهید دید. عنایت داشته باشد که تأکید کردم: «در هر کتابخانه‌ای و در هر جای دنیا». از این رو ما باید نسبت به سرمایه‌های بزرگی که در این سرزمین داریم، احساس غرور کنیم. این سرمایه‌های ارزشمند، زمانی تولید و اندوخته شدند، که غرب در فقر مطلق فرهنگی بود.

وقتی که ما به کتابخانه‌ی ملی پاریس و به ساختمان مخصوص نسخ خطی پاریس رفتیم، دیدیم انبوهی از منابع فارسی در آن جا نمایان است و بخشی از آن نسخ، کم نظیر یا بی نظیراند. وقتی به کتابخانه‌ی مونیخ در آلمان رفتیم، دیدیم که انبوهی از نسخ خطی فارسی و منابع اصیل اسلامی در آن جاست. وقتی که رفتیم به کتابخانه و موزه‌ی بزرگ برلین که در طراز موزه‌ی لوور است، بخش زیادی از آثار اسلامی را در آن جا دیدیم که کم نظیر یا بی نظیر است و به این نتیجه رسیدیم که باید بسیاری از این آثار را، که در واقع نشان دهنده‌ی ظرفیت‌های فرهنگی ما است، در سطح ملی و جهانی به ثبت برسانیم، مثلاً همین ذخیره‌ی خوارزمشاهی را در یونسکو ثبت کردیم. نیاکان ما در گذشته فرصت اندوزی کرده‌اند و ما الان داریم از این فرصت‌ها استفاده می‌کنیم. سایر تمدن‌های دنیا به شدت دنبال این هستند که بتوانند حتی یک اثر از ایران را تصاحب کرده، بروند در مراکز رسمی دنیا ثبت کنند. اما، ما در مخازن مان با انبوهی از آثار ایرانی و اسلامی مواجه هستیم که در ۳ سال گذشته، تنها توانسته‌ایم ۴۳ اثر را در سطح ملی، ۷ اثر را در سطح منطقه‌ای و ۹ اثر را نیز در فهرست یونسکو به ثبت برسانیم. در واقع اکنون ما از قافله عقب هستیم و محدودیت زمانی داریم، یعنی الزاماً باید با تناسب سالیانه و ۲ سال یک بار، آثار را ارسال کنیم. ما حداقل برای یک قرن آینده، آثاری برای ثبت در نوبت داریم و این نکته‌ی عجیبی است که این سرزمین دارد و به همین دلیل من تعبیری دارم که این سرزمین دارای رمز و راز خاصی است که در دل آن نهفته است. شما می‌بینید که هرکجای این سرزمین را برای گاز و نفت و آب و برای عمران و آبادانی حفاری و کاوش می‌کنند، از دل آن یک اثر تاریخی درمی‌آید و یک پیام هویتی دارد؛ که این سرزمین و این جغرافیا، در این نقطه‌ی تاریخی که قرار گرفته‌ایم، دارای یک هویت و یک تبار بسیار تاریخی است. جغرافیای مرزهای فیزیکی ما ایران است، اما مرزهای فرهنگی ما، همه جای دنیا را درنوردیده و به همین دلیل امروز در دنیا، صدای فرهنگی ما بلند است و همین امروز هم در قلب غرب و آمریکا، باز پیام فرهنگی ایران به جهانیان منتقل می‌شود. سرزمین ما یک تبار تاریخی دارد و از این منظر، در هر نقطه از این جغرافیا که شما حرکت می‌کنید، از آن رمز و راز جدیدی پیدا می‌کنید. به گلستان می‌آید، به استرآباد می‌آید، به جرجان می‌آید، به سرزمینی می‌آید که این جغرافیا، غرورآفرین است. هرکسی که در این جغرافیا زندگی می‌کند، باید به خاطر تبار تاریخی و فرهنگی این سرزمین احساس غرور و هویت کند. درواقع از آن جا که تبار فرهنگی در این سرزمین ریشه‌ی تاریخی و طولانی دارد، گلستانی‌ها فرهیخته و نجیب‌اند، چنان که وجود این مرکز (مؤسسه‌ی فرهنگی میرداماد) و نیز این شخصیت (آیت‌الله نورمفیدی)، بیانگر تبار تاریخی و فرهنگی در این جغرافیا است. این که امروز در این جا شما موفق می‌شوید یک اثری مثل دانش‌نامه را که بسیار بسیار مهم است، رونمایی کنید، این نه یک تصادف و نه یک ذوق شخصی، که بیانگر یک تبار تاریخی و فرهنگی در این جغرافیا است. شما این تبار تاریخی را در این جزوات و در این خطوط و

در این کتابت تدوین کردید، برای این که به نسل دانش پژوه این سرزمین تقدیم کنید. این سرزمین در دل خود، دارای سرمایه های گران بهایی است که شما آن ها را اکتشاف کردید، شما آن ها را تولید نکردید. کاری که این ۸۵ نفر از صاحب نظران عزیز انجام دادند، اکتشاف منابع ارزشمند و هویت فرهنگی این جغرافیا، برای معرفی به نسل های بعدی است. نکته ی دیگری که به نظر من بسیار مهم است، این است که اگر بنا باشد تصویر دقیق ایران را به جهانیان معرفی کنیم، تصویر ایران، نه نفتی است و نه هسته ای. تصویر ایران، فرهنگی است و اگر بناست ایران زیبا را به جهانیان معرفی کنیم، این مهم، از منظر فرهنگ ایرانی ممکن و میسر است. در سخنرانی ای که در پاریس برای ایران شناسان داشتیم، یازده رمز ماندگاری فرهنگ ایرانی را تأکید کردم و از آن ها خواش کردم که: در این یک ساعتی که با من همراهی می کنید، ذهنیت تان را از ایران نفتی و از ایران هسته ای پاک کنید و وارد فضای فکری و فرهنگی مان بشوید. تصویری که من از ایران صفویه و ایران ساسانی و ایران بعد از اسلام و ایران هخامنشی و ایران حکمتانه و ایران شهر سوخته و ایران جیرفت ارایه کردم، این تصویر نشان می دهد که سرزمین مان در تارک این جغرافیای بزرگ جهانی، مانند نگین می درخشد و ما هم کسانی هستیم که در این جغرافیا، در زیر چتر اسلام زندگی می کنیم. اسلام به ما هویت و شخصیت داد، اسلام به ما معنویت و معرفت داد و اهل بیت علیهم السلام، منبع جوشان فضیلت و معرفت در این سرزمین هستند و از این منظر، بودن در این جغرافیای فرهنگی و زیست فرهنگی در این سرزمین، خود افتخار بزرگی است که موجب می شود هر ایرانی، به واسطه ی ایرانی بودن، در هر نقطه از دنیا احساس غرور ایرانی بودن را داشته باشد.

ما حدود ۳ سال و اندی، برای تدوین یک دانش نامه، در حال تلاش هستیم. دانش نامه ای پیرامون فرهنگ معاصر ایران، که فقط برای تدوین شیوه نامه و متدلوژی آن، با حضور بیش از ۳۰ تن از نخبگان مطرح دانشگاه، ۲ سال وقت گذاشته شد و این کار سختی است. دانش نامه در حقیقت، فشرده کردن همه ی علوم موجود در یک حوزه و ارائه ی آن به دانش پژوهان و نسل های آتی است. دانش نامه به مثابه دانش پراکنده ای است که جمعی آگاه به متدلوژی دانش نامه نویسی، آن ها را جمع آوری و سامان دهی می کنند و شبیه یک چشمه ی جوشان تحویل دانش پژوهان می دهند. دانش نامه نویسی با کتاب نویسی بسیار متفاوت است. دانش نامه نویسی با مقاله نویسی تفاوت دارد، شما می دانید که در یک مقاله ی عرفی، حداکثر از ۱۰ الی ۱۵ منبع استفاده می شود، اما در یک مقاله ی دانش نامه ای، گاهی از ۲۰۰ منبع استفاده می کنند و از این جهت است که اهمیت دارد.

امروز کسانی که بخواهند گلستان را مطالعه کنند، نیازمند دانش روز هستند، این دانش نامه علاوه بر این که برای نسل حاضر، ظرفیت بزرگی برای دانش افزایی است، تصویر گرگان و جرجان و استرآباد را برای نسل های بعدی روشن خواهد کرد و به ابهامات پاسخ خواهد داد. یکی از کارها و کارکردهای دانش نامه، پیشگیری از تحریف تاریخ است. دانش نامه که با

همت عناصر امین و عالم تدوین می‌شود، به نوعی از تحریف تاریخ جلوگیری کرده و موجب می‌شود دیگران در آینده نتوانند تاریخ این سرزمین را تحریف کنند و این بسیار مهم است. ما در این جغرافیای محدود ولی با تبار طولانی، جنگ‌ها و شادی‌های زیادی داشتیم. در این سرزمین جنگیدند و شهید شدند، دانشمندان بزرگی برخاستند، حوادث طبیعی زیادی شکل گرفت، انسان‌های بزرگی آمدند و مفاخر بزرگی عبور کردند، دانش بسیار گسترده تولید و بازتولید شد و از این سرزمین به اقصی نقاط دنیا دانش و علم صادر شد، این‌ها همه باید در ظرفی به نام دانش‌نامه جمع‌آوری شود که امکان ارایه و استفاده برای دیگران فراهم شود و این نشانگر ارزش بالای دانش‌نامه نویسی است.

ما برای استان‌ها برنامه‌ریزی کردیم که دانش‌نامه تدوین کنند و به مدت ۲ سال فقط شیوه‌نامه مان طول کشید، با استانداران خیلی از استان‌ها مذاکره کرده و اهمیت کار را به آن‌ها منتقل کردیم. در تعداد محدودی از استان‌ها این کار شروع شده و هنوز در مراحل آغازین هستیم. وقتی که شنیدم در گرگان به همت مؤسسه‌ی فرهنگی میرداماد و زیر چتر آیت‌الله نورمفیدی، دانش‌نامه‌ای تدوین شده، بسیار برای من جالب و جذاب بود و به همین دلیل آمدم به شما عزیزان و بزرگواران، خسته نباشید، بگویم و تبریک بگویم به خاطر این کار بزرگ.

چاپ این دانش‌نامه، آغاز حرکت است. دانش‌نامه‌ی گلستان، امروز پایان نیافته، بلکه امروز راه دانش‌نامه نویسی در گلستان آغاز شده، ظرفیت فرهنگی و علمی و دانش و مفاخر گلستان بیش از ۳ جلد است. این یک جلوه‌ای است از آن خورشیدی که باید تابان شود و این نوری است از این منبع بزرگی که در آینده برای همگان مکشوف خواهد شد. من صمیمانه تقدیر می‌کنم از همه‌ی دست‌اندرکاران و از نمایندگان عزیز که این‌جا هستند، از روحانیت معزز، اصحاب دانشگاه، فرهیختگان، استاندار و معاونین دلسوز ایشان تشکر می‌کنم. وحدت و یکدلی مردم گلستان، در کشور، مثال‌زدنی است. قدر این وحدت و یکدلی را بدانید و بدانید که امروز هرکسی که به طبل تفرقه بکوبد، به آرمان‌های ملت خیانت کرده است. امروز همه باید بپذیریم که در زیر چتر نظام و انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه‌ی حضرت امام و مقام معظم رهبری هستیم. باید همه بپذیریم که ما در سرزمینی هستیم که بیش از هر زمان دیگری به وحدت و انسجام و همدلی و یکرنگی و سازگاری نیازمند است و این ممکن نیست، مگر این‌که ما قبول کنیم که در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که با تنوع سلاقی و افکار مواجه هستیم. پذیرش حق دیگران برای فکر کردن، یک ضرورت است و از این منظر، ما در وزارت ارشاد، شعار «گفتگوی فرهنگی» را سر دادیم. برای درک بیشتر از یکدیگر، برای کاهش عصبیت فرهنگی، برای خروج از تخریب و انگ‌زنی و شایعه‌پراکنی، برای ارتقاء وحدت و برادری و همدلی و یکرنگی، نیازمند گفتگو هستیم و این مرکز در این نقطه از ایران، می‌تواند مرکز گفتگوی فرهنگی باشد.